

(وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:) أَمَا بَعْدُ يَا نَبِيَّ أُحَذِّرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ،
حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، وَ تَحَبَّبَتْ بِالْعَاجِلَةِ، وَ رَاقَتْ بِالْقَلِيلِ، وَ تَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ، وَ تَزَيَّنَتْ
بِالْغُرُورِ، لَا تَدُومُ حَبْرَتُهَا، وَ لَا تَوْمَنُ فُجْعَتُهَا، غَرَارَةٌ ضَرَّارَةٌ، حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ، نَافِدَةٌ
بَائِدَةٌ، أَكَالَةٌ غَوَالَةٌ، لَا تَعْدُو إِذَا تَنَاهَتْ إِلَى أُمْنِيَّةِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ الرِّضَاءِ بِهَا أَنْ
تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ
فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ، وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا لَمْ يَكُنْ امْرُوءٌ
مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَعْقَبْتُهُ بَعْدَهَا عِبْرَةً، وَ لَمْ يَلْقَ مِنْ سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحْتُهُ مِنْ
ضَرَائِهَا ظَهْرًا، وَ لَمْ تَطْلُ فِيهَا دِيمَةٌ رَخَاءٌ إِلَّا هَتَّتْ عَلَيْهِ مِرْنَةً بِلَاءٍ، وَ حَرَى إِذَا
أَصْبَحَتْ لَهُ مُنْتَصِرَةٌ أَنْ تُمَسِيَ لَهُ مُتَكِّرَةٌ، وَ إِنْ جَانِبٌ مِنْهَا اعْدُوذِبَ وَ احْلُولَى أَمْرٌ
مِنْهَا جَانِبٌ فَأَوْبَى. لَا يَنَالُ امْرُوءٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغْبًا إِلَّا أَرَهَقَتْهُ مِنْ نَوَائِبِهَا تَعْبًا، وَ
لَا يُمَسِي مِنْهَا فِي جَنَاحِ أَمْنٍ إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمِ خَوْفٍ، غَرَارَةٌ غُرُورٌ مَا فِيهَا،
فَانِيَةٌ فَانٍ مِنْ عَلَيْهَا، لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَزْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى، مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْثَرَ
مِمَّا يُؤْمِنُهُ، وَ مَنْ اسْتَكْثَرَ مِنْهَا اسْتَكْثَرَ مِمَّا يُوبِقُهُ، وَ زَالَ عَمَّا قَلِيلٍ عَنْهُ. كَمْ مِنْ
وَائِقٍ بِهَا قَدْ فَجَعَتْهُ، وَ ذِي طُمَأْنِينَةٍ إِلَيْهَا قَدْ صَرَعَتْهُ، وَ ذِي أُبْهَةٍ قَدْ جَعَلَتْهُ حَقِيرًا، وَ
ذِي نَحْوَةٍ قَدْ رَدَّتْهُ ذَلِيلًا سُلْطَانُهَا دُولٌ، وَ عَيْشُهَا رَيْقٌ، وَ عَذْبُهَا أُجَاجٌ، وَ حُلُوهَا
صَبْرٌ، وَ غِذَاؤُهَا سِمَامٌ، وَ أَسْبَابُهَا رِمَامٌ، حَيْثُهَا بَعْرَضٍ مَوْتٌ، وَ صَحِيحُهَا بَعْرَضٍ
سُقْمٌ، مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ، وَ عَزِيْزُهَا مَغْلُوبٌ، وَ مَوْفُورُهَا مَنكُوبٌ، وَ جَارُهَا
مَحْرُوبٌ.

أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِينٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطْوَلَ أَعْمَارًا، وَابْقَى اثَارًا، وَابْعَدَ أَمَالًا، وَاعَدَّ
 عَدِيدًا، وَاکْتَفَى جُنُودًا، تَعَبَدُوا لِلدُّنْيَا أَىَّ تَعَبَدُوا، وَ اَثْرُهَا أَىَّ إِثَارًا، ثُمَّ طَعَنُوا بِغَيْرِ
 زَادٍ مُبْلَغٍ، وَ لَا ظَهَرَ قَاطِعٍ؟! فَهَلْ بَلَغَكُمْ أَنَّ الدُّنْيَا سَخَتْ لَهُمْ نَفْسًا بِفِدْيَةٍ، أَوْ
 أَعَانَتْهُمْ بِمَعُونَةٍ، أَوْ أَحْسَنْتْ لَهُمْ صُحْبَةً؟ بَلْ أَرَهَقَتْهُمْ بِالْفَوَادِحِ، وَ أَوْهَنْتَهُمْ
 بِالْقَوَارِعِ، وَ ضَعُضَعَتْهُمْ بِالنَّوَابِ، وَ عَفَّرَتْهُمْ لِلْمَنَاحِرِ، وَ وَطَّئَتْهُمْ بِالْمَنَاسِمِ، وَ
 أَعَانَتْ عَلَيْهِمْ رَبِّبَ الْمُنُونِ، فَقَدْ رَأَيْتُمْ تَتَكْرَهُهَا لِمَنْ دَانَ لَهَا، وَ اَثْرَهَا وَ أَخْلَدَ إِلَيْهَا
 حِينَ طَعَنُوا عَنْهَا لِفِرَاقِ الْأَبَدِ، وَ هَلْ زَوَّدَتْهُمْ إِلَّا السَّعْبَ، أَوْ أَحَلَّتْهُمْ إِلَّا الضَّنْكَ، أَوْ
 نَوَّرَتْ لَهُمْ إِلَّا الظُّلْمَةَ، أَوْ أَعَقَبَتْهُمْ إِلَّا النَّدَامَةَ؟ أَفَهَذِهِ تُؤَثِّرُونَ، أَمْ إِلَيْهَا تَطْمَنُّونَ، أَمْ
 عَلَيْهَا تَحْرِصُونَ. فَبَيْتِ الدَّارِ لِمَنْ لَمْ يَتَّهَمَهَا وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ مِنْهَا،
 فَاعْلَمُوا - وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ - بِأَنَّكُمْ تَارِكُوهَا وَ ظَاعِنُونَ عَنْهَا، وَ اتَّعَطَّوْا فِيهَا بِالَّذِينَ
 قَالُوا: مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ فَلَا يُدْعَوْنَ رُكْبَانًا، وَ أَنْزِلُوا الْأَجْدَاثَ
 فَلَا يُدْعَوْنَ ضِيْفَانًا، وَ جُعِلَ لَهُمْ مِنَ الصَّفِيحِ أَجْنَانٌ، وَ مِنَ التُّرَابِ أَكْفَانٌ، وَ مِنَ
 الرِّفَاتِ جِيرَانٌ. فَهَمْ جِيرَةٌ لَا يُجِيبُونَ دَاعِيًا، وَ لَا يَمْنَعُونَ ضَيْمًا، وَ لَا يُبَالُونَ مَنْدَبَةً؛
 إِنْ جِيدُوا لَمْ يَفْرَحُوا، وَ إِنْ قُحِطُوا لَمْ يَقْنَطُوا، جَمِيعٌ وَ هُمْ أَحَادٌ، وَ جِيرَةٌ وَ هُمْ
 أَبْعَادٌ، مُتَدَانُونَ لَا يَتَزَاوَرُونَ، وَ قَرِيبُونَ لَا يَتَقَارِبُونَ، حُلَمَاءٌ قَدْ ذَهَبَتْ أَضْغَانُهُمْ، وَ
 جُهَلَاءٌ قَدْ مَاتَتْ أَحْقَادُهُمْ. لَا يُخْشَى فَجَعُهُمْ، وَ لَا يُرْجَى دَفْعُهُمْ، اسْتَبَدَّلُوا بِظَهْرِ
 الْأَرْضِ بَطْنًا، وَ بِالسَّعَةِ ضَيْقًا، وَ بِالْأَهْلِ غُرْبَةً، وَ بِالنُّورِ ظُلْمَةً، فَجَاؤَهَا كَمَا
 فَارَقُوهَا حُفَاءً عُرَاءً، قَدْ طَعَنُوا عَنْهَا بِأَعْمَالِهِمْ إِلَى الْحَيَاةِ الدَّائِمَةِ، وَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ،
 كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ، وَ عَدَا عَلَيْنَا، إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ.

در نکوهش دنیا

هشدار از دنیاپرستی

پس از ستایش پروردگار، همانا من شما را از دنیای حرام می‌ترسانم، زیرا در کام شیرین و در دیده انسان سبز و رنگارنگ است، در شهوات و خواهشهای نفسانی پوشیده شده، و با نعمتهای زودگذر دوستی می‌ورزد، با متاع اندک زیبا جلوه می‌کند، و در لباس آرزوها خود را نشان می‌دهد، و با زینت غرور خود را می‌آراید، شادی آن دوام ندارد، و کسی از اندوه آن ایمن نیست.

شناخت ماهیت دنیا

دنیای حرام بسیار فریبنده و بسیار زیان‌رساننده است، دگرگون‌شونده و ناپایدار، فناپذیر و مرگبار، و کشنده‌ای تبهکار است، و آنگاه که به دست آرزومندان افتاد و با خواهشهای آنان دمساز شد می‌نگرند که جز سرابی بیش نیست که خدای سبحان فرمود: (زندگی چون آبی ماند که از آسمان فرو فرستادیم و به وسیله گیاهان فراوان روید سپس خشک شده، باد آنها را پراکنده نمود و خدا بر همه چیز قادر و تواناست). کسی که از دنیا شادمانی ندید جز آنکه پس از آن با اشک و آه روبرو شد، هنوز با خوشیهای دنیا روبرو نشده است که با ناراحتیها و پشت کردن آن مبتلا می‌گردد، شبی از رفاه و خوشی دنیا بر کسی فرود نیامده جز آنکه سیل بلاها همه چیز را از بیخ و بن می‌کنند، هرگاه صبحگاهان بیاری کسی برخیزد، شامگاهان خود را به ناشناسی می‌زند، اگر از یک طرف شیرین و

گوارا باشد از طرف دیگر تلخ و ناگوار است. کسی از فراوانی نعمتهای دنیا کام نگرفت جز آنکه مشکلات و سختیها دامنگیر او شد، شبی را در آغوش امن دنیا به سر نبرده جز آنکه صبحگاهان بالهای ترس و وحشت بر سر او کوبید، بسیار فریبده است و آنچه در دنیاست نیز فریبندگی دارد، فانی و زودگذر است، و هر کس در آن زندگی می‌کند فنا می‌پذیرد.

روش برخورد با دنیا

در زاد و توشه آن جز تقوا خبری نیست، کسی که به قدر کفایت از آن بردارد در آرامش به سر می‌برد، و آن کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد وسائل نابودی خود را فراهم کرده، و به زودی از دست می‌رود، بسا افرادی که به دنیا اعتماد کردند، ناگهان مزه تلخ مصیبت را بدانها چشاند و بسا صاحب اطمینانی که به خاک و خونس کشید، چه انسانهای باعظمتی را که خوار و کوچک ساخت، و بسا فخرفروشانی را که به خاک ذلت افکند حکومت دنیا ناپایدار، عیش و زندگانی آن تیره و تار، گواری آن شور، و شیرینی آن تلخ، غذای آن زهر، و اسباب و وسائل آن پوشیده است، زنده آن در معرض مردن، و تندرست آن گرفتار بیماری است، حکومت آن بر باد رفته، و عزیزان آن شکست خورده متاع آن نکبت‌آلود و پناه‌آورنده آن غارت زده خواهد بود.

عبرت از گذشتگان

آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمی‌برید؟ که عمرشان از شما طولانی‌تر و آثارشان با دوام‌تر، و آرزویشان درازتر، و افرادشان بیشتر، و لشگریانشان انبوه‌تر بودند؟ دنیا را چگونه پرستیدند؟ و آن را چگونه بر خود گزیدند؟ و سپس از آن رخت بربستند و رفتند بی توشه‌ای که آنان را برای رسیدن به منزلگاه کفایت کند، و بی مرکبی که آنان را به منزلشان رساند. آیا شنیده‌اید که دنیا خود را فدای آنان کرده باشد؟ یا به گونه‌ای یاریشان داده با آنان به نیکی به سر برده باشد؟ نه هرگز!! بلکه سختی و مشکلات دنیا چنان به آنها رسید که پوست و گوشتشان را درید، با سختیها آنان را سست و با مصیبتها ذلیل و خوارشان نمود، و بینی آنان را به خاک مالید و لگدمال کرد، و گردش روزگار را بر ضد آنها برانگیخت، شما دیدید! دنیا آن کس را که برابر آن فروتنی کرد، و آن را برگزید، و بر همه چیز مقدم داشت، که گویا جاودانه می‌ماند، نشناخت و روی خوش نشان نداد تا آنکه از دنیا رفت، آیا جز گرسنگی توشه‌ای به آنها سپرد؟ آیا جز در سختی فرودشان نیاورد؟ و آیا روشنی دنیا جز تاریکی، و سرانجامش جز پشیمانی بود؟

پرهیز از دنیای حرام

آیا شما چنین دنیایی را بر همه چیز مقدم می‌دارید؟ و بدان اطمینان می‌کنید؟ یا در آرزوی آن به سر می‌برید؟ پس دنیا بد خانه‌ای است برای کسی که خوشبین

باشد، و یا از خطرات آن نترسد، پس بدانید!- و می‌دانید- که آن را ترک می‌کنید و از آن رخت برمی‌بندید، و پند گیرید از آنها که گفتند: (چه کسی از ما نیرومندتر است؟) سپس آنان را به گورهایشان سپردند بی آنکه سواره‌کارانشان خوانند، و در قبرها فرود آوردند بی آنکه همسایگان نامیده شوند، از سطح زمین، قبرها، و از خاک کفن‌ها، و از استخوان‌های پوسیده همسایگانی پدید آمدند، که هیچ خواننده‌ای را پاسخ نمی‌دهند، و هیچ ستمی را باز نمی‌دارند، و نه به نوحه‌گری توجهی دارند، نه از باران خوشحال و نه از قحطسالی نومید می‌گردند، گرد هم قرار دارند و تنها، همسایه یکدیگرند اما از هم دورند، فاصله‌ای با هم ندارند ولی هیچگاه به دیدار یکدیگر نمی‌روند، نزدیکان از هم دورند، بردبارانی هستند که کینه‌ها از دل آنان رفته، بی‌خبرانی که حسد در دلشان فرومرده است، نه از زیان آنها ترسی، و نه به دفاع آنها امیدی وجود دارد، درون زمین را به جای سطح آن برای ماندن انتخاب کردند و خانه‌های تنگ و تاریک را به جای خانه‌های وسیع برگزیدند، بجای زندگی با خویشاوندان، غربت را، و به جای نور، ظلمت را برگزیدند، به زمین بازگشتند چونان که در آغاز آن را پابره‌نه و عریان ترک گفتند، و با اعمال خود به سوی زندگی جاویدان و خانه همیشگی کوچ کردند، آنان که خدای سبحان فرمود: (چنانکه آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم، و عده‌ای برماست و همانا این کار را انجام خواهیم داد.)